

بررسی ساختاری داستان امیر ارسلان نامدار

دکتر محمدرضا حاج آقا بابایی¹

ملیحه شریلو²

1- استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران، ایران

mr_hajibabai@yahoo.com

2- دانشجوی دکتری ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن

maliheshariloo@gmail.com

چکیده:

قصه‌ی امیر ارسلان یکی از نمونه‌های موقّ قسه‌های عامیانه است که جایگاه ویژه‌ای در میان ادب عامیانه فارسی دارد. این داستان در اواسط دوران قاجار (قرن سیزدهم) پدید آمده است و می‌توان آن را آخرین داستان عامیانه‌ی فارسی به شمار آورد و حدّ فاصل قسه‌پردازی سنتی و رمان‌نویسی در ایران دانست. در این داستان از یک سو با شاخصه‌های قصه‌رو به‌رو هستیم و از دیگر سو، قسه‌پرداز سعی دارد با بهره‌گیری از تمهیداتی آن را برای شنونده باورپذیر کند. داستان امیر ارسلان روایتگر تلاش آدمیان برای رسیدن به آرزوها و به دست آوردن خواسته‌هایشان است و عشق به عنوان موضوعی محوری در آن مطرح شده است. قهرمان داستان برای رسیدن به معشوق خود با مشکلات و گرفتاری‌های فراوانی رویارو می‌شود. ذهن خلاق داستان پرداز، توانسته است همه اتفاقات را هنرمندانه به هم پیوند دهد و پایان خوشی برای قهرمان داستان پدید آورد. حضور پررنگ یاریگران و افراد شریب و ایجاد دو فضای متفاوت (دنیای واقعی و دنیای خیالی) برای رخ دادن حوادث از ویژگی‌های اساسی داستان امیر ارسلان به شمار می‌آید. در این مقاله ساختار، عناصر، ویژگی‌ها و تقابل‌های موجود در داستان امیر ارسلان نامدار مورد بررسی قرار گرفته است و علاوه بر آن، طرح اولیه‌ی نظریه‌ی داستان‌های عامیانه‌ی فارسی مطرح شده است.

کلید واژگان: قصه‌ی امیر ارسلان نامدار، قسه‌های عامیانه‌ی فارسی، ادبیات داستانی، ساختارگرایی، نظریه‌ی قسه‌های عامیانه

ایران